

کتابخانه و موزه
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



پیرمرد و دریا

نوشته

ارنست همینگ وی

ترجمه نجف دریابندری



شرکت سهامی انتشارات خوارزمی

ارنست همینگ وی
در تمام

در ۱۹۱۴ که جنگ جهانی اول درگرفت جوانک موسوم به
ارنست همینگوی که میخواست نویسنده شود پانزده سال بیشتر
نداشت. ایالات متحد در ۱۹۱۷ وارد جنگ شد. همینگوی فوراً
داوطلب شد به جبهه برود، زیرا می دانست که با چنته خالی نویسنده
نمی توان شد و میخواست در جنگ «تجربه» بیاموزد. اما به سبب
آسیبی که چشمش در مشت زنی دیده بود در معاینه پزشکی رد شد.
شش ماه بعد صلیب سرخ امریکا او را به عنوان راننده آمبولانس
پذیرفت و به جبهه ایتالیا فرستاد. خدمت او در جبهه ممتاز بود. اما
چیزی نگذشت که زخمی شد. گویا در یکی از سنگرها گلوله توپی زیر
پایش منفجر می شود. همینگوی از هوش می رود. دو سرباز ایتالیایی،
که دوستانش بودند، در کنارش کشته می شوند. یک سرباز دیگر هر دو
پایش قطع می شود. همینگوی چون به هوش می آید سرباز زخمی را
بر دوش می گیرد تا او را به جایی برساند. همین که از سنگر بیرون
می آید نورافکنی روی آنها می افتد و مسلسل آتش می کند. دو گلوله
به پای همینگوی می خورد. سرباز بی پا از دوش او می افتد و جان
می دهد. همینگوی را چند ساعت بعد نیمه جان به بیمارستان پشت
جبهه می رسانند. گذشته از دو گلوله مسلسل، بیش از صد تکه ترکش